

# هجوم اول به روایت ابن أبي شیه (متوفی ۲۳۹ هجری)

به اهتمام: علی لباف

با همفتگری: دکتر حمید رضا مستفید، دکتر میثم توکلی‌بینا

زیر نظر آیت الله العظمی جعفر سبحانی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

\* دورنمای مطالب

پیش‌گفتار

مُصنَّف‌نگاری

گفتار یکم: ماجراهی هجوم به بیت فاطمه علیها السلام به روایت ابن أبي شیبہ

ابن أبي شیبہ کیست؟

درباره کتاب «المصنف»، تأثیف: ابن أبي شیبہ

در کتاب «المصنف» چه می‌خوانیم؟

تحصّن در بیت فاطمه علیها السلام در منابع تاریخی

نقل احمد بن حنبل در مُسند

زمان وقوع تحصّن

اسامی تحصّن‌کنندگان

تواتر نقل‌های حاکی از تحصّن

دورنمای نقل‌های تاریخی

هجوم اول (= واکنش به تحصّن، از سوی نظام حاکم)

هجوم اول، به روایت ابن أبي شیبہ

گفتار دوم: بررسی هجوم به بیت فاطمه علیها السلام به روایت ابن أبي شیبہ

### روش علمی بازخوانی حوادث تاریخی

بررسی یکم: نکاتی درباره هجوم اول به خانه فاطمه علیها السلام

نکته اول: عدم خروج حضرت علی علیها السلام از بیت فاطمه علیها السلام در هجوم اول

سنده شماره ۱) نقل ابن قُتیبَه

سنده شماره ۲) نقل ابن أبي الحدید

نتیجه: عدم بیعت حضرت علی علیها السلام با ابوبکر در پایان هجوم اول

نکته دوم: تدارک همه امکانات لازم جهت به آتش کشاندن خانه فاطمه علیها السلام در هجوم اول

سنده شماره ۱) نقل ابن قُتیبَه

سنده شماره ۲) نقل ابن عبد ربه و نقل أبوالفداء

سنده شماره ۳) شواهدی دیگر

نقل ابن أبي شیبہ

نقلهای مشابه: جوهری؛ متنقی هندی

نقل ابن عبد البر

نقلهای مشابه: نویری؛ صَفَدِی

نتیجه: تهدید به سوزاندن خانه، کاملاً جدی و واقعی بوده است

تذکری درباره احراق بیت فاطمه علیها السلام در هجوم اول و هجوم اصلی

نقل بالذری

نکته سوم: پرهیز نظام حاکم از تشویش افکار عمومی، در مراحل آغازین هجوم اول

نحوه مواجهه و شیوه پاسخگویی حضرت زهرا علیها السلام به مهاجمین

سند شماره ۱) نقل ابن قُتْبَیْه

سند شماره ۲) نقل ابن أبيالحدید از أبوبکر جوهری

بررسی رفتار احترامآمیز از زاویه‌ای دیگر

رفتار احترامآمیز تغییر چهاره می‌دهد

سند شماره ۱) نقل ابن قُتْبَیْه

نتیجه: رعایت احترام حضرت زهرا علیها السلام، حرکتی صوری، نمایشی و عوام‌فریبانه بود

بررسی دوم: عبارت «فَانصَرْفُوا رَاشِدِينَ» به چه معناست؟

مقدمه یکم: رهبری معنوی تحصن توسط حضرت زهرا علیها السلام

نقل ابن أبي شيبة

مقدمه دوم: عدم تمایل متحصنین به پایان تحصن

نقل کلاعی اندلسی

مقدمه سوم: خطر به قتل رسیدن امیر المؤمنین علیه السلام

نقل ابن عبد ربه و نقل أبوالفداء

مقدمه چهارم: لزوم حفاظت از جانِ امیر المؤمنین علیه السلام

نقل یعقوبی

جمع‌بندی اول: «فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» به معنای ابراز رضایت حضرت زهرا علیها السلام از تحصن سه‌روزه می‌باشد

شرح

معنای لغوی «راشد»

«فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» یک ترکیب اصطلاحی است

موارد کاربرد اصطلاح «إِنْصَرَفْ رَاشِداً»

نتیجه‌گیری

نفوذ تحریف در کتاب «الاستیعاب»، شاهدی بر صحّت نتیجه‌گیری

جمع‌بندی دوم: «فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» به معنای تذکر به لزوم اطاعت از دستور رهبری تحصن می‌باشد

شرح

راشیدین، از لحاظ ادبی «حال» محسوب می‌شود

رشد در چیست؟

نشانه اول: فَرَوْا رَأْيَكُمْ

نشانه دوم: خروج زیبر با شمشیر

نقل‌های حاکی از خروج زیبر با شمشیر

نتیجه گیری

\* پیوست‌ها

پیوست یکم: درباره ابن قتیبه دینوری

پیوست دوم: درباره ابن أبي الحدید معترلی

## \* آغاز مطالب

### پیش‌گفتار

یکی از اقسام کتاب‌های حدیثی اهل سنت، «مصنف» نام دارد.

«مصنف» به کتاب‌هایی گفته می‌شود که بر اساس شیوه «باب‌بندی احادیث»، تدوین گردیده است.

این سبک از نگارش، در دهه‌های پایانی قرن دوم هجری رواج یافت و کتاب «المصنف فی الأحادیث و الآثار» تألیف: ابن أبي شیبہ (متوفی ۲۳۵ هجری)، یکی از مشهورترین کتاب‌هایی است که با اسلوب «مصنف‌نگاری» به رشته تحریر درآمده است.<sup>۱</sup>

در این نوشتار، به بررسی و تحلیل ماجرای هجوم به خانه فاطمه علیها السلام، با استناد به نقل مندرج در «مصنف ابن أبي شیبہ» می‌پردازیم.

### گفتار یکم

ماجرای هجوم به بیت فاطمه علیها السلام به روایت ابن أبي شیبہ

ابن أبي شیبہ کیست؟

عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن أبي شیبہ، مشهور به: «أبوبکر بن أبي شیبہ»، از حدیث‌نگاران قرن سوم هجری است. او در نزد اهل سنت، از آموزگاران بر جسته حدیث (= مشایخ حدیث) به شمار می‌رود و مشاهیری چون: بخاری (متوفی ۲۵۶)، مسلم

۱ - اقتباس از: جوامع حدیثی اهل سنت (دکتر مجید معارف)، ص ۲۲ - ۲۴

(متوفّای ۲۶۱)، ابن ماجه (متوفّای ۲۷۳) و احمد بن حنبل (متوفّای ۲۴۱)، در ردیفِ شاگردانش قرار داردند.

تنهای کتاب باقی مانده از ابن أبي‌شیبیه، «المصنّف» نام دارد که علاوه بر روایت‌های نبوی، مشتمل بر فتوحاتی صحابه، تابعان و فقهای پس از تابعان نیز می‌باشد.

هر چند مطالبِ این کتاب به صورت «موضوعی» و بر پایه «ابوابِ فقهی» تنظیم و طبقه‌بندی شده است؛ اماً نقل‌های مندرج در آن، از

تنوع چشم‌گیری برخوردار می‌باشد؛ به گونه‌ای که باید گفت:

مطالب مندرج در این کتاب، اختصاص به موضوع خاصی، از جمله فقه، ندارد.

از این رو می‌توان کتاب «المصنّف»، تأثیف: ابن أبي‌شیبیه را از «جوامع کهن حدیثی» نزد اهل سنت، به شمار آورد.<sup>۲</sup>

در کتاب «المصنّف» چه می‌خوانیم؟

کاوش در استناد و مدارک تاریخ نیم قرن نخستین خلافت، هر محقق ژرف‌نگری را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که یکی از نقاط عطف

حائز اهمیّت در روند تحولات سیاسی روزهای آغازین خلافتِ ابوبکر، ماجرای «تحصّن در خانه فاطمه‌علیهاالسلام» می‌باشد.<sup>۳</sup>

۲ - اقتباس از: جوامع حدیثی اهل سنت (دکتر مجید معارف)، ص ۴۱ - ۴۲.

۳ - عمر بن خطاب می‌گوید: إِنَّهُ كَانَ مِنْ خَبَرِنَا حِينَ تَوَفَّى اللَّهُ نَبِيُّهُ أَنَّ عَلِيًّا وَ الزُّبَيرَ وَ مَنْ مَعَهُمَا تَخَلَّفُوا عَنِّي فِي

بَيْتِ فَاطِمَةَ.

از جمله اطّلاقات ما این بود که: وقتی خدا، جانِ پیامبرش را گرفت؛ علی و زبیر و اطرافیانشان، در خانه فاطمه از ما سریعی کردند. [مسند

احمد، ج ۱، ص ۵۵، چاپ: قاهره، ۱۳۱۳ ه].

تحصّن در بیت فاطمه‌علیهاالسلام (= حضور در خانه فاطمه‌علیهاالسلام، به نشانه استنکاف از پذیرش بیعت با ابوبکر (در روزهای چهارشنبه،

موضوع خودداری حضرت علی‌علیه‌السلام و همراهان وی از پذیرش بیعت با ابوبکر و حضور آنان در خانه فاطمه‌علیه‌السلام، در کتاب‌های سیره، تاریخ، صحاح و مسانید، ادب، کلام و شرح حال رجال و معاريف، به حدّ تواتر روایت شده است و تردیدی در صحّت آن نیست. ولی چون نویسنده‌گانِ کتاب‌های مزبور، خوش نداشتند از همه اتفاقاتی که بین متحصّن و حزب پیروز رخ داده است، پرده بردارند؛ به جز آن مقدار که ناخودآگاه از قلمشان تراویش کرده است، چیزی به دست نداده‌اند.

نقل‌های مندرج در کتاب «دراسة و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه‌علیه‌السلام»، ذیل شماره‌های: ۱ - ۲ - ۵ - ۳ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۴۰ - ۲۲ - ۳۰ - ۵۹ همگی با ماجرای «تحصّن در خانه فاطمه‌علیه‌السلام» در ارتباط بوده و هر یک از آن‌ها، به ترسیم فرازها و گوشه‌هایی از این رویداد مهم تاریخی پرداخته‌اند.<sup>۴</sup>

بی‌تردید باید گفت: یکی از قابل توجه‌ترین حوادثی که در ماجرای تحصّن در خانه فاطمه‌علیه‌السلام پدیدار گردید، عکس العمل و واکنش نظام حاکم، به شکل‌گیری این اعتراض سیاسی، از سوی مخالفین بیعت با ابوبکر، می‌باشد. واکنشی که در اکثر نقل‌های حاکی از تحصّن در بیت فاطمه‌علیه‌السلام، بدان اشاره شده و ما از آن، با نام «هجوم اوّل» یا «هجوم منجر به شکست تحصّن» یاد می‌کنیم.<sup>۵</sup>

پنجشنبه و جمعه) دومین، سومین و چهارمین روز پس از رحلت رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآل‌ه (به وقوع پیوست. [ر،ک: روزشمار فاطمیه (دکتر عدنان درخشان)، ص ۶۷].

تاریخ، اسمی برخی از متحصّنین را به صراحت به ثبت رسانده است:

عباس (العقد الفريد، ج ۴، ص ۲۵۹)، زیبیر (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۲)، مقداد (شرح حدیدی، ج ۲، ص ۵۶)، طلحه (کامل ابن أثیر، ج ۲، ص ۳۲۵)، سعد بن أبي وقاص (تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۶۹). [ر،ک: دراسة و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه‌علیه‌السلام، ص ۱۰۲]

۴ - جهت آشنایی با یکایک رخدادهای پدید آمده در این سه روز، به کتاب «هجوم اوّل» به روایت یعقوبی (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) مراجعه فرمایید.

۵ - درباره «هجوم اوّل»، تعریف، شاخصه‌ها و رویدادهای آن، به تفصیل در کتاب «هجوم اوّل» به روایت یعقوبی «مباحثی را تقدیم نموده‌ایم.

ابن أبي شيبة ماجرای هجوم اول به خانه فاطمه علیها السلام را چنین نقل می‌کند:

فَيُشَاوِرُونَهَا وَيَرْتَجِعُونَ فِي أَمْرِهِمْ.

فَلَمَّا بَلَغَ ذِلِكَ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ خَرَجَ حَتَّى دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ قَوْلَةَ: يَا بَنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! وَاللَّهِ مَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا مِنْ أَبِيكَ وَمَا مِنْ أَحَدٍ أَحَبَّ إِلَيْنَا بَعْدَ أَبِيكَ مِنْكِ! وَأَيُّمُ اللَّهُ مَا ذَلِكَ بِمَا نِعِي إنْ اجْتَمَعَ هُؤُلَاءِ النَّفَرُ عِنْدَكِ إِنْ أَمْرَتُهُمْ أَنْ يُحْرِقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتُ.

قالَ: فَلَمَّا خَرَجَ عُمَرُ جَاءُوهَا؛ فَقَالَتْ: تَعْلَمُونَ أَنَّ عُمَرَ قَدْ جَاءَنِي وَقَدْ حَلَفَ بِاللهِ لَئِنْ عُدْتُمْ لِيُخْرِقَنَّ عَلَيْكُمُ الْبَيْتَ؟

وَأَيْمُ اللهِ لِيُمْضِيَنَّ لِمَا حَلَفَ عَلَيْهِ، فَانْصَرِفُوا رَاشِدِينَ، فَرُوا رَأْيَكُمْ وَلَا تَرْجِعُوا إِلَىٰهُ.

فَانْصَرَفُوا عَنْهَا فَلَمْ يَرْجِعُوا إِلَيْهَا حَتّىٰ بَايَعُوا لِأَبِيهِ بَكْرًاٌ

هنگامی که پس از رسول خدا، افراد با ابوبکر بیعت کردند (بیعت با ابوبکر رخ داد)، علی و زیبیر نزد فاطمه - دختر رسول خدا - می‌رفتند

و از وی راهنمایی می‌گرفتند و باز به کار خود (= استنکاف از انجام بیعت با ابوبکر) ادامه می‌دادند.

وقتی خبر به عمر بن خطاب رسید، بیرون آمد و نزد فاطمه رفت و گفت:

ای دختر رسول خدا! وَاللهِ هیچ کس نزد ما از پدرت محبوب‌تر نیست و نیز هیچ کس - پس از پدرت - نزد ما از تو محبوب‌تر نمی‌باشد

و من به خدا سوگند می‌خورم که این محبت مرا بازنمی‌دارد که اگر باز این جماعت، نزد تو گرد هم آیند؛ فرمان دهم که خانه بر سرshan

به آتش کشیده شود.

راوی گفت: وقتی عمر بیرون رفت، [تحصّن‌کنندگان] نزد آن بانو گرد آمدند؛ آن حضرت فرمود: دیدید که عمر پیش من آمد و به خدا

سوگند خورد که اگر نزد من بازگردید، خانه را بر سرتان به آتش می‌کشد.

و قسم به خدا که او - به آنجه برایش سوگند خورد - عمل می‌کند.

«فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ»<sup>۷</sup> و به صلاح‌دید خود عمل کنید و نزد من بازنگردید.

آن‌ها از وی فاصله گرفتند و نزدش بازنگشتند تا زمانی که با ابوبکر بیعت کردند.

## گفتار دوم

بررسی هجوم به بیت فاطمه علیها السلام به روایت ابن أبي شیبہ

مقدمه

روش علمی بازخوانی حوادث تاریخی

۷ - درباره ترجمه صحیح این عبارت، به تفصیل نکاتی را ارائه خواهیم داد.

یکی از روش‌های علمی دقیق برای بازخوانی رویدادهای تاریخی – به ویژه حوادثی که برخاسته از تنش‌های تند سیاسی می‌باشد –، گردآوری همه نقل‌ها و گزارش‌های پراکنده، توأم با جامع‌نگری (= پرهیز از هرگونه تک‌سو نگری یا اکتفا نمودن به یک یا چند گزارش ناقص)، هنگام بازآفرینی رخدادهای تاریخی – با هدف تحلیل و تفسیر آن‌ها –، می‌باشد.

از این رو، شایسته است که به موازت بررسی و تحلیل ماجراهای «**هجوم اول**» به روایت ابن أبي شيبة، از دقت و تأمل در سایر نقل‌های حاکی از این رویداد، غافل نمانده و با نگاهی فraigیر به همه منابعی که از حوادث «هجوم منجر به شکست تحصن» یاد کرده‌اند، به بررسی و ارزیابی نقل مندرج در کتاب «المصنف» پردازیم.

لذا، قبل از ارائه هر گونه تحلیل و تفسیری برگرفته از روایت مندرج در کتاب ابن أبي شيبة، توجه به چند نکته مهم تاریخی را ضروری دانسته و نادیده انگاشتن این نکات را نوعی کزنگری در فهم حوادث **هجوم اول** قلمداد می‌نماییم.

بررسی یکم: نکاتی درباره **هجوم اول** به خانه فاطمه علیها السلام

نکته اول:

عدم خروج حضرت علی علیها السلام از بيت فاطمه علیها السلام در **هجوم اول**

سند شماره (۱)

ابن قتیبیه (متوفی ۲۷۶) در کتاب «الإمامية و السياسة»<sup>۱</sup> (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲ هـ؛ نقل می‌کند:

---

۸ - پیش از این در کتاب «زخم آتش» (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) به تفصیل به بررسی و اثبات صحّت انتساب این کتاب به ابن قتیبیه دینوری پرداخته‌ایم.

وَ إِنَّ أَبَاكُرٍ تَفَقَّدَ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَتِهِ عِنْدَ عَلَيٍّ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ، فَجَاءَهُمْ فَنَادَاهُمْ - وَ هُمْ فِي دَارِ  
عَلَيٍّ - ... فَخَرَجُوا فَبَايَعُوا إِلَّا عَلَيًّا...

و ابوبکر غیبت گروهی را - که از بیعت با او [با حضورشان] نزد علی سریچی کرده بودند - ، احساس کرد؛ لذا عمر را به سراغشان  
فرستاد.

او آمد و - در حالی که آنان در خانه علی بودند - صدایشان زد... لذا بیرون آمدند و همگی جز علی، بیعت کردند...

سند شماره (۲)

ابن أبيالحديد معترض (متوفى ۶۵۶) در کتاب «شرح نهج البلاغه» (جلد ۲، صفحه ۲۱)، چاپ: مصر، ۱۳۸۵ هـ؛ نقل می‌کند:

إِنَّهُ أَخَذَ السَّيْفَ مِنْ يَدِ الزُّبَيرِ فَضَرَبَ بِهِ حَجَراً فَكَسَرَهُ وَ سَاقَهُمْ كُلَّهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَى أَبِي بَكْرٍ  
فَحَمَلَهُمْ عَلَى بَيْعَتِهِ وَ لَمْ يَتَخَلَّفُ إِلَّا عَلَيٍّ وَ حَدَّهُ فَإِنَّهُ اعْتَصَمَ بِبَيْتِ فَاطِمَةَ فَتَحَامَوْا إِخْرَاجَهُ مِنْهُ قَسْرًا  
وَ قَامَتْ فَاطِمَةُ إِلَى بَابِ الْبَيْتِ فَأَسْمَعَتْ مَنْ جَاءَ يَطْلُبُهُ فَتَفَرَّقُوا وَ عَلِمُوا أَنَّهُ بِمُفْرَدٍ لَا يَضُرُّ شَيْئًا  
فَتَرَكُوهُ.

۹ - ابن میثم بحرانی (متوفی ۶۷۹) در شرحش بر کتاب نهج البلاغه (جلد ۲، صفحه ۲۶) پس از اشاره به اخذ بیعت اجباری از متحضنین،

می‌نویسد:

إِنَّ عَلَيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْتَصَمَ بِبَيْتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ عَلِمُوا أَنَّهُ مُفْرَدٌ فَتَرَكُوهُ.

او شمشیر را از دست زیبیر گرفت و به سنگی زد و آن را شکست و همه آنها (= متحصّنین) را در پیش رویش حرکت داد و به نزد ابوبکر بُرد و آنها را مجبور به بیعت با او ساخت. و هیچ کس به جز علی، [از بیعت] سریعی نکرد؛ چرا که او به خانه فاطمه پناهنده شد و آنها از این که او را به زور و اکراه بیرون آورند، پرهیز نمودند. و فاطمه کنار درب خانه ایستاد و با افرادی که می‌خواستند علی را بگیرند، به درشتی سخن گفت؛ پس آنها متفرق شدند و دانستند که او تنهاست و زیانی نمی‌رساند؛ پس او را رها کردند.

نتیجه:

عدم بیعت حضرت علی علیه السلام با ابوبکر در پایانِ حوادث هجوم اول.<sup>۱۰</sup>

نکته دوم:

تدارک همه امکانات لازم جهت به آتش کشاندنِ خانه فاطمه علیه السلام در هجوم اول

سنده شماره (۱)

ابن قُبَيْه (متوفّای ۲۷۶) در کتاب «الإمامية والسياسة» (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲ هـ؛ نقل می‌کند:

وَ إِنَّ أَبَابِكْرَ تَقَدَّدَ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعِتِهِ عِنْدَ عَلَىٰ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ، فَجَاءَهُمْ فَنَادَاهُمْ - وَ هُمْ فِي دارٍ

---

علی علیه السلام به خانه فاطمه علیه السلام پناهنده شد و آنها دانستند که او تنهاست؛ پس او را رها کردند.

۱۰ - در بخش دوم از کتاب «دانشنامه روابط سیاسی حضرت علی علیه السلام با خلفاً» (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) به تفصیل به بررسی و نقد ادعای بیعت امیر المؤمنین علیه السلام با خلیفه اول، پرداخته ایم.

عَلِيٌّ - فَأَبْوَا أَنْ يَخْرُجُوا، فَدَعَا بِالْحَطَبِ وَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسُهُ عُمَرَ بِيَدِهِ لَتَخْرُجُنَّ أَوْ لَأُخْرِقَنَّهَا عَلَى مَنْ

فِيهَا...

و ابوبکر غیبت گروهی را - که از بیعت با او [با حضورشان] نزد علی سریچی کرده بودند - ، احساس کرد؛ لذا عمر را به سراغشان فرستاد.

او آمد و - در حالی که آنان درخانه علی بودند - صدایشان زد.

آنان از بیرون آمدن امتناع ورزیدند.

عمر هیزم طلبید و گفت:

قسم به آن که جانم در دست اوست، یا بیرون می آید یا بی تردید خانه را - با هر کس که در آن است - ، به آتش می کشم.

سنند شماره (۲)

ابن عبد ربه (متوفی ۳۲۸) در کتاب «العقد الفريد» (جلد ۵ صفحه ۱۳ - ۱۴)، چاپ: بیروت، ۱۴۰۴ هـ؛ (جلد ۳، صفحه ۶۴)، چاپ: مصر، ۱۲۵۳ هـ؛ نقل می کند:

۱۱ - در وصف نحوه «آمدن عمر» می خوانیم: إِنَّ عُمَرَ جَاءَ إِلَى بَيْتِ عَلِيٍّ لِيُخْرِقَهُ عَلَى مَنْ فِيهِ.

عمر سوی خانه علی آمد تا خانه را با اهلش بسوزاند.

ر.ک: «روضة المناظر» (تألیف: ابن شحنه، متوفی ۸۸۲)، چاپ در حاشیه کتاب «الکامل» (تألیف: ابن أثیر، متوفی ۶۳۰)، ج ۱۱، ص ۱۱۳، چاپ الأفندي، ۱۳۰۱ ق (= ج ۷، ص ۱۶۴).

الَّذِينَ تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ... فَأَمَا عَلَىٰ وَالْعَبَاسُ وَالْزُبَيرُ فَقَعَدُوا فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ حَتَّىٰ بَعَثَ إِلَيْهِمْ

أَبُوبَكْرٍ، عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ؛ لِيُخْرِجَهُمْ مِنْ بَيْتِ فَاطِمَةَ، وَقَالَ لَهُ:

إِنْ أَبَوْا فَقَاتِلُهُمْ!

فَأَقْبَلَ عُمَرُ بِقَبَسٍ مِنْ نَارٍ عَلَىٰ أَنْ يُضْرِمَ عَلَيْهِمُ الدَّارَ...<sup>۱۲</sup>

آنان که از بیعت با ابوبکر سریچی کردند...

اما علی و عباس و زبیر، در خانه فاطمه تحصّن کردند تا جایی که:

ابوبکر، عمر بن خطاب را به سراغ آنان فرستاد تا ایشان را از خانه فاطمه بیرون آورد؛ و به او گفت:

اگر امتناع ورزیدند، با آنان بجنگ.

لذا عمر با شعله‌ای از آتش پیش آمد تا خانه را همراه با آنان به آتش کشد.

سند شماره (۳)

نقل‌های تاریخی حاکی از آن است که حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، تهدید عمر بن خطاب مبنی بر سوزاندن خانه را جدی دانسته و به واقعی

بودن آن تصریح فرموده‌اند؛ چنانچه در نقل ابن أبي شیبہ خواندیم:

فَقَالَتْ: ... وَأَئِمُّ اللَّهِ لِيَمْضِيَنَّ لِمَا حَلَفَ عَلَيْهِ...<sup>۱۳</sup>

۱۲ - نقل مشابه: أبوالفداء (متوفى ۷۳۲)، «المختصر في أخبار البشر» (جلد ۱، صفحه ۱۵۶)، چاپ: بيروت = (جلد ۱، صفحه ۱۶۵)، چاپ:

آن بانو فرمود: ... به خدا سوگند، او به آنچه برایش سوگند خورده، عمل می‌کند.

همچنین در نقل ابن عبد البر (متوفی ۴۶۳)، مندرج در کتاب «الإستیعاب فی معرفة الأصحاب» (جلد ۳، صفحه ۱۰۰)، چاپ: بیروت؛

(جلد ۳، صفحه ۹۷۵)، چاپ: مصر، می‌خوانیم:

فَقَالَتْ لَهُمْ: ... وَأَئِمُّ اللَّهِ لَيَفِينَ بِهَا...<sup>۱۴</sup>

آن بانو به ایشان فرمود:

... به خدا سوگند، او به آن [=سوگندش] وفا می‌کند.

نتیجه:

تهدید به سوزاندن خانه، کاملاً جدی و واقعی بوده است.<sup>۱۵</sup>

۱۳ - نقل‌های مشابه: ابن أبي‌الحدید (متوفی ۶۵۶)، «شرح نهج البلاغه» (جلد ۲، صفحه ۴۵)، چاپ: بیروت؛ به نقل از جوهری (متوفی ۳۲۲۳)

- متنقی هندی (متوفی ۹۷۵)، «كتز العمال فى السنن الأقوال و الأفعال» (جلد ۵، صفحه ۶۵۱، رقم ۱۴۱۳۸)، چاپ: حلب، ۱۳۹۰ هـ .

۱۴ - نقل‌های مشابه: نویری (متوفی ۷۲۳)، «نهاية الإرب فی فنون الأدب» (جلد ۱۹، صفحه ۴۰)، چاپ: مصر، ۱۳۹۵ هـ - صدی (متوفی

۷۶۴)، «الوافى بالوفيات» (جلد ۱۷، صفحه ۳۱۱)، چاپ: بیروت، ۱۴۰۱ هـ .

۱۵ - در کتاب «هجوم اوّل» به روایت یعقوبی به این نکته تذکر داده‌ایم که «تهدید به احراق بیت فاطمه‌علیه‌السلام»، در دو نوبت، واقع شده

است:

- نوبت اوّل مربوط به «هجوم منجر به شکست تحصّن» می‌باشد که در این مرحله، حادثه آتش‌افروزی به وقوع نپیوست.

- نوبت دوم مربوط به «هجوم اصلی» می‌باشد که به تصریح منابع معتبر امامیه، در این نوبت، حادثه آتش‌افروزی تحقّق یافته و درب خانه

فاطمه‌علیه‌السلام آتش گرفته است.

[رد: «و آتش زبانه می‌کشید» (تألیف: علی لیاف)، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.]

نکته سوم:

پرهیز نظام حاکم از تشویش افکار عمومی، در مراحل آغازین هجوم اول

هرچند در یک نگاه ابتدایی به نقل ابن أبي شيبة، چنین برداشت می‌شود که نظام حاکم، هنگام برخورد نظامی با حضور مخالفین سیاسی خود در بیت فاطمه‌علیهاالسلام، احترام حضرت زهرا علیهاالسلام را رعایت کرده است؛ اما از دقت در «نحوه مواجهه و شیوه پاسخگویی حضرت زهرا علیهاالسلام به مهاجمین»، این سؤال در ذهن پژوهشگر مطرح می‌شود که:

---

بنابراین، دیدگاه شیعیان مبنی بر شعله‌ور شدن آتش بر درب خانه فاطمه‌علیهاالسلام، تنها به حادثه «هجوم اصلی» اختصاص دارد که متأسفانه، در منابع اهل سنت، به شدت دستخوش حذف و تحریف گردیده است. [ر،ک: «حقایق پنهان» (تألیف: علی لباف، عدنان درخشان)، ص ۲۶ - ۲۹، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.]

در اینجا، به یکی از نقل‌های اهل سنت - که در این زمینه از صراحة بیشتری برخوردار است - اشاره می‌کنیم: **بلاذری** (متوفی ۲۷۹) در کتاب «أنساب الأشراف» (جلد ۱، صفحه ۵۸۶، رقم ۱۱۸۴)، چاپ مصر؛ نقل می‌کند:

**أَنَّ أَبَاكُرْ أَرْسَلَ إِلَى عَلَيٍّ يُرِيدُ الْبَيْعَةَ، فَلَمْ يُبَايِعْ فَجَاءَ عُمَرُ وَ مَعَهُ فَتِيلَةُ فَاطِمَةُ عَلَى الْبَابِ. قَالَتْ فاطِمَةُ: يَا بْنَ الْخَطَّابِ! أَتُرَاكَ مُحْرِقاً عَلَى بَابِي؟! قَالَ: نَعَمْ...**

ابو بکر سراغ علی فرستاد تا بیعت بگیرد و او بیعت نکرد.

عمر با آتش آمد و فاطمه او را بر آستانه درب دید.

فاطمه فرمود: پسر خطاب! آیا تو درب خانه‌ام را به آتش می‌کشی؟

عمر گفت: آری.

\* آیا می‌توان به سادگی باور کرد که هواداران خلیفه، رفتار مؤبدانه و احترام‌آمیزی را با حضرت زهرا علیها السلام در پیش گرفته بودند؟

● پاسخ به پرسش فوق را در بررسی‌های ذیل دنبال نمایید:

نحوه مواجهه و شیوه پاسخگویی حضرت زهرا علیها السلام به مهاجمین

سند شماره (۱)

ابن قُبَّیْہ (متوفی ۲۷۶) در کتاب «الإمامۃ و السیاسة» (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲ هـ؛ نقل می‌کند:

وَ إِنَّ أَبَا بَكْرَ تَقَدَّمَ قَوْمًا تَخَلَّفُوا عَنْ يَعْتِهِ عِنْدَ عَلَىٰ، فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ عُمَرَ... فَدَعَا بِالْحَطَبِ وَ قَالَ:  
وَ الَّذِي نَفْسُهُ عُمَرَ بِيَدِهِ لَتَخْرُجُنَّ أَوْ لَاخْرُقَنَّهَا عَلَىٰ مَنْ فِيهَا...

فَوَقَّفَتْ فَاطِمَةُ عَلَىٰ بَابِهَا، فَقَالَتْ:

لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ حَضَرُوا أَسْوَأَ مَحْضَرٍ مِنْ كُمْ...

و ابوبکر غیبت گروهی را - که از بیعت با او [با حضورشان] نزد علی سریچی کرده بودند -، احساس کرد؛ لذا عمر را به سراغشان

فرستاد. ... عمر هیزم طلبید و گفت:

قسم به آن که جانم در دست اوست، یا خارج می‌شوید یا بی‌تردد خانه را - با هر که در آن است - به آتش می‌کشم...

لذا فاطمه کنار درب خانه‌اش ایستاد و فرمود:

گروهی را نمی‌شناسم که حضورشان بدتر از حضور شما یا ان باشد.

ابن قُتَيْبَة، در ادامه ماجرا می‌نویسد:

... قَامَ عُمَرُ، فَمَشَى مَعَهُ جَمَاعَةً حَتَّى أَتَوْا بَابَ فَاطِمَةَ، فَدَقَّوْا الْبَابَ، فَلَمَّا سَمِعُتْ أَصْوَاتَهُمْ نَادَتْ

بِأَغْلِي صَوْتِهَا:

يَا أَبَتِ! يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَاذَا لَقِينَا بَعْدَكَ مِنِ ابْنِ الْخَطَابِ وَ ابْنِ أَبِي قُحَافَةَ؟!

عمر به پا خاست و همراه او جماعتی حرکت کردند تا به درب خانه فاطمه رسیدند و درب را کوختند.

وقتی آن بانو صداها یشان را شنید، به صدای رسا فرمود:

پدر جان! ای رسول خدا! پس از تو - از فرزند خَطَاب و فرزندِ ابی قُحَافَة - چه چیزها که دیدیم!

(۲) سند شماره

ابن أبيالحديد معترلى (متوفى ۶۵۶) در کتاب «شرح نهج البلاغه» (جلد ۲، صفحه ۵۶)، چاپ: مصر، ۱۳۸۵ هـ؛ از احمد بن عبد العزيز،

معروف به «أبوبكر جوهري» (متوفى ۳۲۳) [نویسنده کتاب: «السقيفة و فدک»] نقل می‌کند:

إِنَّ سَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَاصٍ كَانَ مَعَهُمْ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ أَيْضًاً، وَ إِنَّهُمْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ

يُبَايِعُوا عَلَيْهَا فَأَتَاهُمْ عُمَرُ لِيُحْرِقَ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ... وَ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ تَبْكِي وَ تَصْبِحُ فَنَهَنَهَتْ مِنَ النَّاسِ...

سعد بن أبي وَقَاص همراه با آنان در خانه فاطمه بود؛ و نیز مقداد بن اسود؛ و آنان تجمع کردند تا با علی بیعت کنند.

لذا عمر به سragشان آمد تا خانه را با آنان به آتش کشد...

و فاطمه گریان و فریادکشان بیرون آمد و مهاجمان را از اقدامشان بازداشت...

بررسی رفتار احترام‌آمیز از زاویه‌ای دیگر

دقّت در تأثیرپذیری ناظران هجوم، از شیوه پاسخگویی حضرت زهراء‌علیه‌السلام به هواداران خلیفه، این احتمال را به شدت تقویت می‌نماید که:

رفتار مؤدبانه عمر بن خطاب در هنگام گفتگو با حضرت زهراء‌علیه‌السلام، در واقع، نوعی «صحنه‌سازی» جهت «عدم تشویش اذهان عمومی» بوده است.

هرچند – دردمدانه – باید گفت: تأثیرپذیری افکار عمومی شهروندان مدنیه از فریاد دادخواهی حضرت زهراء‌علیه‌السلام، به حمایت عملی آنان از آن حضرت‌علیه‌السلام نینجامید؛ اما نظام خلافت، نمی‌توانست احتمال وقوع یک اعتراض فraigیر به «رفتار توهین‌آمیزش در هنگام گفتگو با حضرت زهراء‌علیه‌السلام» را نادیده انگاشته و از همان لحظات آغازین اقدام به هجوم اوّل، با پرخاش‌گری و گستاخی، با یگانه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار نماید.

شاید اگر عمر بن خطاب چنین سیاستی را در پیش نمی‌گرفت،<sup>۱۶</sup> ناظران، به ترک صحنه اکتفا نکرده و عکس‌عملی فراتر از «بی‌طرفی» را از خود بروز می‌دادند؛ عکس‌عملی که به هیچ وجه به نفع نظام حاکم نبود.

۱۶ - از دیگر تدابیر سیاسی او جهت کنترل افکار عمومی شهروندان مدنیه، انکار رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۲، چاپ: لیدن، ۱۸۷۹ م.)

جهت آشنایی بیشتر با اهداف و انگیزه‌های این انکار، به جلد یکم از کتاب «عبدالله بن سبا» (تألیف: علامه سید مرتضی عسکری)، صفحه ۹۸ - ۱۰۴ مراجعه فرمایید.

ابن قُتيبة (متوفی ۲۷۶) در کتاب «الإمامه و السياسه» (جلد ۱، صفحه ۱۳)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲ هـ؛ نقل می‌کند:

... فَلَمَّا سَمِعَ الْقَوْمُ صَوْتَهَا وَبُكَاءَهَا، اِنْصَرَفُوا بِاِكِيرَنَ... وَبَقِيَ عُمَرُ وَمَعْهُ قَوْمٌ...

وقتی آن گروه (= ناظران)، صدا و گریه فاطمه را شنیدند، گریان بازگشتد...

ولی عمر و گروهی (= مهاجمان)، همراه او [در صحنه] باقی ماندند.

سند شماره (۲)

ابن حمزه زیدی (متوفی ۴۱۴) در کتاب «الشافی» (جلد ۴، صفحه ۱۷۳)، چاپ: بیروت [مؤسسة الأعلمی]، ۱۴۰۶ هـ؛ از احمد بن

ابراهیم حسنی زیدی (متوفی ۳۵۲) [نویسنده کتاب «المصابیح»] نقل می‌کند:

[راوی گفت:] شَهِدَتْ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ يَوْمَ أَرَادَ أَنْ يُخْرِقَ عَلَى فَاطِمَةَ بَيْتَهَا، فَقَالَ:

إِنْ أَبُوا أَنْ يَخْرُجُوا فَيُبَايِعُوا أَحْرَقْتُ عَلَيْهِمُ الْبَيْتَ.

فَقُلْتُ لِعُمَرَ: إِنْ فِي الْبَيْتِ فَاطِمَةُ، أَفَتُخْرِقُهَا؟

قال: سَنَلْتَقِي أَنَا وَفَاطِمَةً!

روزی که عمر بن خطاب خواست خانه فاطمه را به آتش کشد، من شاهد بودم که عمر گفت:

اگر امتناع کردند که از خانه خارج شوند و بیعت کنند، خانه را - با آنان - به آتش می‌کشم.

به عمر گفتم: اگر در خانه فاطمه باشد، فاطمه را هم می‌سوزانی؟

گفت: من و فاطمه به هم می‌رسیم (رو در رو می‌شویم)!

رفتار احترام آمیز تغییر چهره می دهد

شواهد تاریخی نشان می دهد که به دنبالِ ترک صحنه از سوی ناظرانِ هجوم (شهر و ندانِ مدینه)، رفتار احترام آمیز هواداران خلیفه نیز - به

وضوح - تغییر چهره داده است.

سند شماره (۱)

ابن قُبَيْبَةَ (متوفّى ۲۷۶) در کتاب «الإمامية والسياسة» (جلد ۱، صفحه ۱۲)، چاپ: مصر، ۱۳۸۲ هـ؛ نقل می کند:

... فَدَعَا بِالْحَطَبِ، وَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسُ عُمَرَ بِيَدِهِ لَتَخْرُجُنَّ أَوْ لَا هُرْقَنَّهَا عَلَى مَنْ فِيهَا.

فَقِيلَ لَهُ: يَا أَبَا حَفْصٍ! إِنَّ فِيهَا فاطِمَةَ!

فَقَالَ: وَإِنْ.<sup>۱۷</sup>

... سپس هیزم طلبید و گفت:

قسم به آن که جانم در دست اوست، یا خارج می شوید یا بی تردید خانه را - با هر کس در آن است - به آتش می کشم.

به او گفتند: أَبَا حَفْصٍ! در این خانه فاطمه حضور دارد!

گفت: باشد.

---

۱۷ - واضح است که کلمه «وَإِنْ» حرف وصل است و عبارت قبل را به عبارت بعدش متصل می سازد. یعنی: وَإِنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ

فاطِمَةَ (اگرچه فاطمه در خانه باشد، من خانه را با ساکنانش به آتش خواهم کشید).

بی تردید، این دگرگونی در عملکرد عمر بن خطاب، به روشی حاکی از آن است که برخورد ابتدایی او با حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> - که این ابی شیبہ از آن یاد کرده است - بیشتر به یک نمایش عوام فریبانه،<sup>۱۸</sup> شباخت دارد تا به رفتاری نشأت گرفته از باور و اعتقاد قلبی؛ هر چند که با استناد به نقل مندرج در کتاب «المصنف»، اظهار شده:

«عملکرد حضرت فاروق اعظم و بیان منزلت دخت گرامی رسول اکرم، نشانِ احترام و محبت به اهل بیت رسول اکرم می‌باشد.»!<sup>۱۹</sup>

نتیجه:

رعایت احترام حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، حرکتی نمایشی و عوام فریبانه بود.

بررسی دوم: عبارت **«فَانْصَرْفُوا رَاشِدِينَ»** به چه معناست؟

مقدمه یکم

چنانچه در آغاز نقل این ابی شیبہ ملاحظه فرمودید،<sup>۲۰</sup> انتخاب بیت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> به عنوانِ محل تھصن از یک سو، و مشورت

---

۱۸ - همانند رفتار او در ماجراهی انکار رحلت رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup>؛ چنانچه این ابی الحدید معتزلی تصریح می‌کند: «عمر، وقتی که فهمید رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> از دنیا رفته است، ترسید تا مبادا بر سر رهبری، شورش و انقلابی پدید آید و انصار شهروندانِ مدنیه) یا دیگران (!)، رشته حکومت را به دست گیرند؛ لذا، مصلحت دید که مردم را - به هر نحوی که ممکن است - ساكت و آرام سازد...»

(شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۲۹).

۱۹ - abihablog.blogfa.com جمعه ۲۹ شهریورماه ۱۳۸۷، مقاله «نقد روایات هتك حرمت خانه حضرت زهرا».

۲۰ - کانَ عَلَيْهِ وَ الزُّبَيْرُ يَدْخُلُانِ عَلَىٰ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ فَيُشَاوِرُونَهَا...

متحصّنین با حضرت زهرا علیها السلام از سوی دیگر، از محوریّت شخصیّت والای حضرت زهرا علیها السلام در ماجراهی اعلان اعتراض سیاسی به خلافت ابوبکر، حکایت دارد.

مخاطب قرار گرفتن حضرت زهرا علیها السلام، از طرف فرمانده مهاجمین نیز گویای آن است که در ماجراهی تحصن سه روزه، رهبری معنوی تحصن کنندگان بر عهده حضرت زهرا علیها السلام بوده است.

نتیجه: متحصّنین، با حضور در خانه فاطمه علیها السلام و کسب نظر از آن حضرت علیها السلام، امثال از فرامین ایشان را پذیرفته و خود را به اطاعت از دستورات حضرت زهرا علیها السلام ملتزم ساخته بودند.

#### مقدمه دوم

متحصّنین، به نشانه مخالفت سیاسی با خلافت ابوبکر و با هدف امتناع از پذیرش بیعت با او، در خانه فاطمه علیها السلام گرد آمده بودند. آمادگی آنان برای استمرار تحصن تا آنجا بود که برخی از منابع تاریخی، به صراحت، از برداشتن سلاح توسط تحصن کنندگان، یاد کرده‌اند.

#### سند شماره (۱)

کلاعی اندلسی (متوفی ۶۳۴) در کتاب «الإكتفاء» (جلد ۲، صفحه ۴۴۶)، چاپ: بیروت، ۱۳۸۷هـ؛ از موسی بن عقبه (متوفی ۱۴۱) [نویسنده کتاب «المغازی»] نقل می‌کند:

إِنَّ رِجَالًا مِّنَ الْمُهَاجِرِينَ غَضِبُوا فِي بَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ، مِنْهُمْ عَلِيٌّ وَ الزُّبِيرُ، فَدَخَلَا بَيْتَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ

اللهِ وَ مَعَهُمَا السَّلَاحُ...

مردانی از مهاجران - از جمله علی و زییر -، در مسأله بیعت با ابوبکر، خشمگین شدند و در حالی که سلاح به همراه داشتند، وارد خانه فاطمه - دختر رسول خدا - شدند.

نتیجه: در قلب تحصّن‌کنندگان، کوچک‌ترین تمايل و انگيزه‌ای برای انصراف از تحصّن و پایان بخشیدن به آن، وجود نداشته است.

مقدمه سوم

از متن دستور ابوبکر مبنی بر سرکوب تحصّن‌کنندگان، می‌توان به شکل‌گیری یک توطئه پنهان با هدف به قتل رساندن حضرت علی علیه السلام بی بُرد.

سند شماره (۱)

ابن عبد ربه (متوفّی ۳۲۸) در کتاب «العقد الفريد» (جلد ۵، صفحه ۱۳ – ۱۴، چاپ: بیروت، ۱۴۰۴ هـ؛ جلد ۳، صفحه ۶۴، چاپ: مصر، ۱۲۵۳ هـ؛ نقل می‌کند:

الَّذِينَ تَخَلَّفُوا عَنْ بَيْعَةِ أَبِي بَكْرٍ: عَلَىٰ وَ الْعَبَّاسُ وَ الزَّبَيرُ فَقَعَدُوا فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ، حَتَّىٰ بَعَثَ إِلَيْهِمْ أَبُوبَكْرٌ، عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنْ بَيْتِ فَاطِمَةَ، وَقَالَ لَهُ: إِنَّ أَبَوَا فَقَاتِلُهُمْ! <sup>۱۰</sup>

۲۱ - نقل مشابه: أبوالفداء (متوفّی ۷۳۲)، «المختصر في أخبار البشر» (جلد ۱، صفحه ۱۵۶)، چاپ: بیروت و (جلد ۱، صفحه ۱۶۵)، چاپ:

آنان که از انجام بیعت با ابوبکر سرباز زدند: علی و عباس و زبیر بودند که در خانه فاطمه تحصّن کردند تا آن که ابوبکر، عمر بن خطاب را به سراجشان فرستاد تا آنها را از خانه فاطمه بیرون بیاورد و به او گفت:

اگر امتناع ورزیدند، با آنان بجنگ.

#### مقدمه چهارم

از تدبیر در سیره حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در مواجهه با مهاجمین،<sup>۲۲</sup> می‌توان دریافت که آن حضرت<sup>علیها السلام</sup>، علاوه بر رهبری معنوی

مصر.

۲۲ - یعقوبی (متوفی ۲۹۲) می‌نویسد:

وَبَلَغَ أَبَاكُرٍ وَعُمَرَ أَنَّ جَمَاعَةً مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ قَدِ اجْتَمَعُوا مَعَ عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي مَنْزِلِ فَاطِمَةَ  
بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَتَوْا فِي جَمَاعَةٍ حَتَّى هَجَّمُوا الدَّارَ...  
وَدَخَلُوا الدَّارَ فَخَرَجَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَتْ:  
وَاللَّهِ لَتَخْرُجُنَّ أُو لَا كُشِفَنَ شَعْرِي وَلَا عِجَنَ إِلَى اللَّهِ.

و به ابوبکر و عمر خبر رسید که گروهی از مهاجرین و انصار همراه با علی بن ابی طالب در منزل فاطمه دختر ییامبر خدا اجتماع کردند. پس آنها با گروهی [نزد خانه حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>] آمدند تا این که به خانه هجوم آوردند...

و وارد منزل شدند، پس فاطمه بیرون آمد و گفت:

به خدا سوگند! یا از خانه‌ام بیرون می‌روید و یا من مویم را پریشان می‌کنم و به درگاه خدا ناله می‌زنم.

(تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶، چاپ: دار صادر، بیروت).

تحصّن، مسؤولیت حفظ جان حضرت علی‌علیه‌السلام و خنثی‌سازی توطئه قتل ایشان را نیز بر عهده داشته‌اند.<sup>۲۳</sup>

## جمع‌بندی اول

حضرت زهراء‌علیه‌السلام در مسیر استمرار مبارزه سیاسی با نظام حاکم و با توجه به لزوم حفاظت از جان امیر المؤمنین علیه‌السلام، دستور خروج افراد از خانه را صادر فرمودند.

از آن جایی که آن حضرت علیه‌السلام می‌دانستند که پایان دادن به تحصّن سه روزه و ترک خانه ایشان، برای تحصّن‌کنندگان تلخ و دشوار است؛ از این رو، با به کار بردن عبارت «فَانْصَرِفُوا رَاشِدِينَ»، رضایت خود را از مقاومت سه‌روزه و فریاد اعتراض

سیاسی تحصّن‌کنندگان (یعنی: کارهایی که تحصّن‌کنندگان، تا پیش از صدور فرمان خروج از خانه، به انجام رسانده بودند)، اعلام داشتند.

## شرح

در لغت عرب، به فردی که وجه کارش را درک کند و راهش را بشناسد، «رأشد» گویند.<sup>۲۴</sup>

با تتبّع در موارد کاربرد عبارت «إِنْصَرِفْ رَاشِدًا»، به روشنی می‌توان دریافت که سخن حضرت زهراء‌علیه‌السلام خطاب به

متحصّنین، یک «ترکیب اصطلاحی» در زبان عرب محسوب می‌شود.

«إِنْصَرِفْ رَاشِدًا»، مدح و دعایی است به شکل «حال»، در حق مخاطب. این «ترکیب اصطلاحی» در جایی به کار می‌رود که

۲۳ - ر.ک: کتاب‌های «ایستاده در باد» و «غروب سرخ غدیر» (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر).

۲۴ - ر.ک: لسان العرب (ابن منظور).

گوینده می‌خواهد رضایت خود «از آنچه مخاطبش تاکنون به انجام رسانده است» را اعلام کند و به او بگوید:

– آنچه باید در حقّ ما انجام می‌دادی را به خوبی، به انجام رساندی.

– تا همین جا کافی است؛ ما از آنچه تاکنون انجام دادی، راضی و خشنود هستیم.

– به همین مقدار از انجام کار اکتفا کن؛ همین مقدار بس است.

– از شما گلایه و شکایتی نداریم.

– از خدمات شما متشرّک‌یم؛ چیزی را در حقّ ما فروگذار نکردید.

نتیجه‌گیری

عبارت «فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ»، به معنای ابراز رضایت حضرت زهراء‌علیها‌السلام از مخالفت سیاسی تحصن‌کنندگان با نظام حاکم و

اعلام خشنودی از تحصن سه‌روزه آنان می‌باشد.

شاهدی بر صحّت نتیجه‌گیری

گویاترین شاهد بر صحّت این نتیجه‌گیری، حذف عبارت «فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» در نقل ابن عبد البر (متوفّای ۴۶۳) است.

در چاپ‌های فعلی از کتاب «الإستیعاب»، ابتدا، جملات حاکی از «تهدید به سوزاندن خانه: لَا حُرْقَنَّ» به «لَا فُعْلَنَّ» تحریف شده و

سپس، عبارت «فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» حذف گردیده است.<sup>۲۵</sup>

۲۵ - الإستیعاب، ج ۳، ص ۹۷۵، جاب: مكتبة نهضة مصر؛ ج ۳، ص ۱۰۰، چاب: دار الكتب العلمية، بيروت.

به راستی: اگر عبارت **«فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ»** به معنای «ترغیب و تشویق تحصّن‌کنندگان به انجام بیعت با ابوبکر!» می‌باشد؛ حذف

و سانسور خبری آن، چه فایده و لزومی دارد؟ به ویژه در جایی که، عبارت حاکی از «تهدید به سوزاندن خانه» – به نفع خلافت ابوبکر

–، به **«لَأَفْعَلَنَّ»** تحریف و تبدیل گشته است؟!

آیا کسی که در مسیر دفاع از خلافت ابوبکر، چنین به تحریف تاریخ دست می‌یازد، از کنار عبارتی که می‌توان آن را به نفع خلافت

ابوبکر تفسیر نمود، به سادگی عبور می‌کند و آن را به راحتی از صفحه این کتاب محو می‌سازد؟

\* \* \*

از دیگر نشانه‌های وقوع تحریف در کتاب الإستیعاب، گزارش صَفَوری شافعی (متوفّای ٨٩٤) از این کتاب می‌باشد.

صفّوری شافعی در کتابش با نام «المحاسن المجتمعة في الخلفاء الأربعه» چنین می‌نویسد:

**«مِنْ كِتَابِ الإِسْتِيَاعِ لِابْنِ عَبْدِ الْبَرِّ قَالَ: وَ أَسْقَطَتْ فَاطِمَةَ سَقْطًا سَمَّاهُ عَلَىَّ مُحَسِّنًا.»**

(صفحه ۱۶۴ از نسخه خطی موجود در کتابخانه محقق طباطبائی، مجموعه شماره ۳۶، قم.)

در حالی که در چاپ‌های فعلی از کتاب الإستیعاب، عبارت فوق به چشم نمی‌خورد؟!

جمع‌بندی دوم

حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در مسیر استمرار مبارزه سیاسی با نظام حاکم و با توجه به لزوم حفاظت از جان امیر المؤمنین<sup>علیه السلام</sup>، دستور خروج افراد از خانه را صادر فرمودند.

از آن جایی که آن حضرت<sup>علیها السلام</sup> می‌دانستند که پایان دادن به تحصّن سه‌روزه و ترک خانه ایشان، برای تحصّن‌کنندگان تلخ و

دشوار است؛ از این رو، با به کار بردن عبارت **«فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ»**، تحصّن‌کنندگان را به این نکته خاطرنشان ساختند که:

شرح

رشد در چیست؟

سؤالی که در این مرحله به ذهن خطور می‌کند این است که:

متحصّنین، به همراه انصراف خود از تحصّن، چه رفتاری را بایستی از خود بروز می‌دادند تا از نظر حضرت زهرا علیها السلام (رهبری معنوی تحصّن) و پذیرش دستور ایشان مبنی بر خروج از خانه می‌باشد.<sup>۲۶</sup>

برخی چنین گمان برده‌اند که حضرت زهرا علیها السلام، تحصّن‌کنندگان را به انجام بیعت با ابوبکر تشویق نموده‌اند!!!

در حالی که باید گفت:

در نگاه نخست، متعلق رشد (= آن کاری که رشد یافتن در انجام آن نهفته است) در عبارت «فَانْصَرِفُوا راشِدِينَ»، گُنگ و نامعلوم است؛ لذا، تعیین و تشخیص آن، تنها با استناد به «قرائی و نشانه‌های معتبر»، امکان‌پذیر می‌باشد.

۲۶ - راشدین را «حال» و متحصّنین را «ذو الحال» گویند.

## نشانه اول

حضرت زهراء<sup>السلام علیہا</sup> برای آن که این سوء تفاهم در ذهن‌ها شکل نگیرد که ایشان، علاوه بر دعوتِ تحصّن‌کنندگان به خروج از خانه،

آنان را به انجام بیعت با ابوبکر، ترغیب نموده‌اند؛ در ادامه سخن خود می‌فرمایند: «فَرَوْا رَأْيَكُمْ»،<sup>۲۷</sup> یعنی: به دنبالِ خروج از خانه،

مطابق با نظر و تشخیص خود عمل کنید.

به عبارت دیگر، این عبارت بدان معناست که حضرت زهراء<sup>السلام علیہا</sup> هیچ راهکاری را برای نحوه مواجهه تحصّن‌کنندگان با ابوبکر،

ترسیم ننموده‌اند؛ چه رسد به این که بخواهند آنان را به انجام کار معینی، تشویق و ترغیب نمایند.

## نشانه دوم

خروج زیبر با شمشیر کشیده و حالتی از آرایش جنگی<sup>۲۸</sup> – که به تواتر در نقل‌های تاریخی به ثبت رسیده است –<sup>۲۹</sup>، به وضوح به اثبات

می‌رساند که: تحصّن‌کنندگان – که از حضرت زهراء<sup>السلام علیہا</sup> دستور می‌گرفتند – عبارتِ «فَانْصَرْفُوا رَاشِدِينَ» را به معنای

«تشویق به انجام بیعت با ابوبکر» نمی‌دانسته‌اند.

۲۷ – در کتاب «الإستیاع» (تألیف: ابن عبد البر)، ج ۳، ص ۹۷۵، چاپ: مکتبة نهضة مصر، ج ۳، ص ۱۰۰، چاپ: دار الكتب العلمية، بيروت؛

«فانظروا فی أمركم» آمده است که معنایی مشابه دارد.

۲۸ – درباره «شمشیر زیبر»، به تفصیل در کتاب «هجوم اول» به روایت یعقوبی «مباحثی را تقدیم نموده‌ایم».

۲۹ – ر.ک: الإكتفاء، ج ۲، ص ۴۴۶؛ الرياض النصر، ج ۱، ص ۲۴۱؛ تاريخ الخميس، ج ۲، ص ۱۶۹؛ البداية والنهاية، ج ۵، ص ۲۷۰؛ کنز

العمال، ج ۵، ص ۵۹۷؛ الإمامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۳؛ تاريخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۳ (دار المعرفة، مصر)؛ الكامل (ابن أثیر)، ج ۲، ص

۳۲۵؛ نهاية الإرب، ج ۱۹، ص ۳۹.

نتیجه‌گیری

«فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» یعنی: در حالتی که گوش به فرمانِ رهبر تحصن هستید، از ادامه تحصن دست بردارید.

به عبارت دیگر، «فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» یعنی: اگر از دستور رهبر تحصن اطاعت نکرده و از خانه خارج نشوید، همانا بدون

بصیرت عمل کرده‌اید. زیرا؛ دوراندیشی و ژرف‌نگری [شناخت و آگاهی کامل از اهداف، «تحصن و اعتراض سیاسی به خلافت ابوبکر»]

اقضا می‌کند که در شرایطِ فعلی (= تهدید جدی به سوزاندن خانه)، به تحصن پایان دهید و از خانه خارج شوید تا امکانِ انجام هرگونه

عملیات نظامی را از گروه مهاجمین سلب نمایید.

از این رو باید گفت: خروج متحصّنین از خانه فاطمه علیها السلام، تدبیری حکیمانه برای ختنی‌سازی توطئه کشتار نظامی تحصن‌کنندگان

و راهکاری برای ادامه مبارزه سیاسی علیه ارتتعاج حاکم بود.

تدبیر و دوراندیشی حضرت زهراء علیها السلام در ماجرای هجوم اول، جانِ امیر المؤمنین علیها السلام را از گزندِ خنجر پنهانِ کینه‌توزان، در

امان نگاه داشت و بحرانی که می‌رفت تا به جنگی نابرابر تبدیل شود را به نفع امیر المؤمنین علیها السلام و هواداران سیاسی ایشان، کنترل

نمود.

بنابراین، لازم بود تا در ماجرای هجوم اول، حضرت زهراء علیها السلام، ابتکار عمل را از دست مهاجمین خارج ساخته و با تصمیمی سریع

و به موقع، بحران پدید آمده را کنترل نماید.

در چنین شرایطی، تدبیر حکیمانه برای مدیریت بحران، صدور دستور خروج از خانه بود؛ اما بی‌تردید، به اجرا درآوردن چنین فرمانی

(خروج از خانه) تو سط متحصّنین – که از خلافت ابوبکر خشمناک بودند –،<sup>۳۰</sup> نیازمند به کارگیری عبارتی بود که آنان را – از لحاظ روحی – آماده پذیرش چنین دستوری نماید.

«فَانْصَرُفُوا رَاشِدِينَ» در راستای دستیابی به چنین هدفی، صادر گردید؛ هر چند که – نا آگاهانه – در توضیح این عبارت، اظهار

شدہ:

«حضرت فاطمه زهرا به مخالفان ابوبکر مشورت بیعت داد...!»<sup>۳۱</sup>

پیوست ها

پیوست یکم

درباره ابن قتیبه دینوری

در تحلیل اندیشه های مذهبی «ابن قتیبه» توجه به نکات ذیل بسیار راهگشا می باشد:

۱ - حبليان او را ستوده اند.<sup>۳۲</sup>

---

۳۰ - ر.ک: الإكتفاء، ج ۲، ص ۴۴۶؛ الرياض النضر، ج ۱، ص ۲۴۱؛ تاريخ الخميس، ج ۲، ص ۱۶۹؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۵ و ص

۵۰؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۶۵۱.

۳۱ - abihablog.blogfa.com - جمعه ۲۹ شهریورماه ۱۳۸۷، مقاله «تقد روایات هتك حرمت خانه حضرت زهرا».

۳۲ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۵۲؛ به نقل از:

۲ - وی شاگرد «ابن راهویه» و سخت تحت تأثیر عقاید او بود.<sup>۳۳</sup>

درباره «ابن راهویه، متوفی ۲۳۸» می‌خوانیم:

در بغداد، در اجتماع محدثان نامداری مانند احمد بن حنبل...، شرکت می‌کرد... خطیب او را از آقران احمد بن حنبل دانسته...<sup>۳۴</sup> وی

همچون احمد بن حنبل متمایل به معانی حدیث و پیرو سلف بود.<sup>۳۵</sup>

«احمد بن حنبل، متوفی ۲۴۱» پیشوای مکتب فکری «اهل حدیث» و پایه‌گذار «فقه حنبلي» در میان اهل سنت می‌باشد.

وی در کتاب «السنّة» به تبیین اصول عقاید «اهل حدیث» پرداخته است. او در واقع توانست در قرن سوم هجری، اصولی را به عنوان

عقاید اهل سنت پی‌ریزی کرده و به ترویج آن‌ها پیردازد.

فرازهایی از عقاید «اهل حدیث» بدین شرح می‌باشد:<sup>۳۶</sup>

---

۳۳ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۴۵۲؛ به نقل از: «اسحاق موسی حسینی» در کتاب «ابن قتیبه» (ترجمه هاشم یاغی)، ص ۲۵ -

.۳۲ و ص ۲۶

۳۴ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۵۰؛ به نقل از: «خطیب بغدادی، متوفی ۴۶۴» در کتاب «تاریخ بغداد»، ج ۶، ص ۳۴۶ -

.۳۴۷ و ص ۳۵۱

۳۵ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۵۰؛ به نقل از: «ابن عبد البر، متوفی ۴۶۳» در کتاب «الإنتقاء»، ص ۱۰۸ -

۳۶ - ر.ک: «الإبانة في أصول الديانة» (تألیف: ابو الحسن اشعری، متوفی ۳۲۴)، ص ۱۸ - ۱۹؛ «التبيیه و الرد» (تألیف: ابو الحسین ماطی،

متوفی ۳۷۷)، ص ۱۴ - ۱۵.

لازم به یادآوری است که:

الف - «ابن تیمیه حَرَّانِی، متوفی ۷۲۸» بار دیگر مکتب فکری «احمد بن حنبل» را در قرن هفتم و هشتم هجری احیا نمود.

او همچنین با نگارش کتاب «منهاج السنّة» روح انکار فضائل اهل بیت‌علیہم السّلام را نیز برورش داد.

۱ - عقیده صریح و بی‌پروا به تجسیم و تشییه خداوند!

۲ - تقدیرگرایی به مفهوم جبری آن!

۳ - فضیلت خلفای چهارگانه به ترتیب به خلافت رسیدن آن‌ها!

۴ - عدالت همه صحابه!

۵ - وجوب اطاعت از سلطان جائز!

دستیابی به شخصیت مذهبی «ابن قُتَّیبَةَ»

از دقّت و تأمل در نکات فوق می‌توان دریافت که «ابن قُتَّیبَةَ» به واسطه استادش «ابن راھویه» به شدت تحت تأثیر عقاید «اهل حدیث»

بوده است؛ به گونه‌ای که تعصّب مذهبی او غیر قابل انکار است.

«ذهبی، متوفّای ۷۴۸» و «ابن حجر عسقلانی، متوفّای ۸۵۲» از قول «دار قُطْنی، متوفّای ۳۸۵» درباره «ابن قُتَّیبَةَ» می‌نویسنده:

كَانَ ابْنُ قُتَّيْبَةَ يَمِيلُ إِلَى التَّشْبِيهِ، مُنْحَرِفٌ عَنِ الْعِتْرَةِ.<sup>۳۷</sup>

«ابن قُتَّیبَةَ» به تشییه، گرایش داشت و از اهل بیت[علیهم السلام] منحرف بود.

«ابن حجر عسقلانی، متوفّای ۸۵۲» درباره «ابن قُتَّیبَةَ» می‌نویسد:

وَالَّذِي يَظْهَرُ لِي أَنَّ مُرَادَ السَّلْفِيِّ بِالْمَذْهَبِ النَّصْبُ فَإِنَّ فِي ابْنِ قُتَّيْبَةَ اُنْجِراَفًا عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ.<sup>۳۸</sup>

ب - «محمد بن عبد الوهاب نجّدی، متوفّای ۱۲۰۶» با احیاء افکار «ابن تیمیه» فرقه وهابیت (سلفی‌گری) را بنیان نهاد.

۳۷ - میزان الإعتدال، ج ۲، ص ۵۰۳؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۳۵۷ - ۳۵۸.

## جمع‌بندی

نظر من این است که منظور «سَلَفِي، مَتَوَافِيٍّ ۝۷۶» از [سخنش مبنی بر این‌که اختلاف حاکم نیشابوری با ابن قُتْبَیَه در خصوص] مذهب [بوده است]، ناصبی بودن [ابن قُتْبَیَه] می‌باشد؛ زیرا «ابن قُتْبَیَه» از اهل بیت انحراف دارد [؛ ولی حاکم نیشابوری چنین انحرافی ندارد].

روح ناصبی‌گری و انحراف «ابن قُتْبَیَه» از اهل بیت علیهم السَّلَام مورد تأیید بزرگان اهل سنت و شخصیت‌های برجسته‌ای همچون «ذهبی» و «ابن حجر عسقلانی» می‌باشد.

کتاب «الإمامية والسياسة» نوشته «ابن قُتْبَیَه دِینَوْرِی» است این کتاب، بارها با نام مؤلف آن، یعنی «ابن قُتْبَیَه دِینَوْرِی، مَتَوَافِيٍّ ۲۷۶» در مصر و سایر کشورها به چاپ رسیده است. علاوه بر این، بسیاری از علمای اهل سنت به تألیف این کتاب توسط «ابن قُتْبَیَه» و صحّت انتساب آن به وی، تصريح نموده‌اند.

برخی تصريحات اهل سنت به صحّت انتساب کتاب «الإمامية والسياسة» به «ابن قُتْبَیَه» بدین شرح می‌باشد:

- ۱

«أبو بكر بن العربي» در کتاب «العواصم من القواصم»، صفحه ۲۴۸.

- ۲

«نجم الدين عمر بن محمد مكى» مشهور به «ابن فهد» در کتاب «إتحاف الورى بأخبار أم القرى»، ذیل حادث سال ۹۳ قمری.

- ۳

«قاضی ابوعبدالله تنوزی» معروف به «ابن شبات» در کتاب «الصلة السمعتیه»، فصل دوم، باب ۳۴.

- ۴

«ابن حَجَرَ هِيَتْمَیِّ» در کتاب «تطهیر الجنان و اللسان»، صفحه ۷۲.

- ۵

«ابن خلدون» در کتاب «العبر و دیوان المبتداء و الخبر» معروف به «تاریخ ابن خلدون»، جلد دوم، صفحه ۱۶۶.

- ۶

«تقی الدین فاسی مکّی» در کتاب «العقد الشمین»، جلد ششم، صفحه ۷۲.

- ۷

«شاه سلامة الله» در کتاب «معرکة الآراء»، صفحه ۱۲۶.

اظهارات شخصیت‌های فوق – که همگی از بزرگان اهل سنت می‌باشند – مؤید صحّت انتساب کتاب «الإمامۃ و السياسۃ» به «ابن قُتیبَیه» می‌باشد.

همچنین برخی از محققان معاصر عرب نیز به تأثیف این کتاب توسل «ابن قُتیبَیه» تصویح نموده‌اند.

برخی تصویحات محققان معاصر عرب به صحّت انتساب کتاب «الإمامۃ و السياسۃ» به «ابن قُتیبَیه» بدین شرح می‌باشد:

- ۱

«فرید وجدی» در کتاب «دائرة المعارف القرن العشرين»، جلد دوم، صفحه ۷۴۹ و ۷۵۴.

«عمر رضا کحاله» در کتاب «معجم المؤلفین»، جلد دوم، صفحه ۲۹۷.

مهم‌ترین دلایل مخالفان صحّت انتساب کتاب «الإمامه و السياسه»، به «ابن قُتیبَه» را در چهار محور می‌توان گردآوری نمود:<sup>۳۹</sup>

محور یکم)

مؤلف در متن کتابش از بانویی نقل قول کرده است که در سال ۹۲ قمری شاهد فتح اندلس بوده است؛ و این مطلب با سال حیات «ابن قُتیبَه» سازگاری ندارد!

محور دوم)

مؤلف در متن کتابش از «ابو لیلی» نقل قول کرده است؛ در حالی که وی به سال ۱۴۸ قمری قاضی کوفه بوده است؛ و این مطلب با سال حیات «ابن قُتیبَه» سازگاری ندارد!

محور سوم)

در متن کتاب آمده است که مؤلف آن در شهر دمشق بوده است؛ در حالی که «ابن قُتیبَه» از شهر بغداد جز به شهر «دینور» نرفته است!

۳۹ - ر.ک: مقاله «دراسة في كتب ابن قُتیبَه» (تأليف: عبدالله جبورى)، مجلة «آداب المستنصرية»، ش ۲، ص ۲۴۵؛ مقدمة كتاب «عيون الأخبار» (تأليف: محمد اسكندرى)، ج ۱، ص ۲۵؛ مقدمة كتاب «المعارف» (تأليف: ثروت عكاشه)، ص ۵۹.

محور چهارم)

مؤلف در کتابش از حمله «موسى بن نصیر» به مراکش یاد می‌کند؛ در حالی که این شهر در سال ۴۵۴ قمری بنا شده است؛ و این مطلب با سال حیات «ابن قُتیبَه» سازگاری ندارد!

پاسخ‌گویی به محورهای چهارگانه<sup>۴۰</sup>

پاسخ به محور یکم)

در این سنده، نام برخی از افراد (واسطه‌های نقل) ساقط شده است؛ چنانچه در برخی نسخه‌های کتاب، عبارت «ذَكْرُوا» به چشم می‌خورد.

پاسخ به محور دوم)

روش «ابن قُتیبَه» چنین بوده است که مطالب را به طور مستقیم و بی ذکر واسطه، از «ابن أبى لیلی» نقل می‌نموده است؛ چنانچه در تأثیف کتاب «المعارف» نیز همین رویه را به کار برده است.

پاسخ به محور سوم)

۴۰ - ر.ک: مقاله «كتاب الإمامة و السياسة» (تأليف: جبرائيل جبور)، مجلة «الأبحاث»، ش ۳ (سال سیزدهم)، ص ۲۸۸ - ۲۸۹.

از مطالعه دقیق کتاب می‌توان دریافت که در آن، هیچ اشاره صریحی مبنی بر اقامت مؤلف آن در شهر دمشق، به چشم نمی‌خورد.

پاسخ به محور چهارم)

در چاپ سال ۱۳۳۱ نامی از مراکش نیامده است و تنها نام «مغرب» به چشم می‌خورد.

به احتمال زیاد، «گاینگوس، خاورشناس اسپانیایی» در تشخیص قلمرو حکومت «موسى بن نصیر» دچار اشتباه گردیده و نام «مراکش» را به متن کتاب افزوده است.

آیا کتاب «الإمامية والسياسة» تأليف «ابن حزم اندلسی، متوفّى ۴۵۶» است؟<sup>۴۱</sup>

جالب است که «جبرائيل جبور» پس از رد ادله مخالفین انتساب کتاب «الإمامية والسياسة» به «ابن قُتيبة»، با استناد به کتاب «الذخیرة

فی محسن أهل الجزیره» (تألیف: ابن بسّام) می‌نویسد:

مؤلف کتاب «الإمامية والسياسة»، «ابن حزم» می‌باشد!

در نقد ادعای فوق، به طرح یک پرسش اکتفا می‌نماییم:

چرا «قاضی أبویکر بن العربی، متوفّی ۵۴۳» که با «ابن حزم» معاصر بوده و آثار وی را به خوبی می‌شناخته است، «به صراحة» کتاب

۴۱ - وی فرقه‌هایی که به اسلام اقرار دارند را به پنج گروه تقسیم می‌کند:

اهل سنت، معترزله، مرجحه، شیعه و خوارج.

از دیدگاه «ابن حزم» همه این فرقه‌ها گمراهند جز «اهل سنت» که وی آنان را «اهل الحق» و جز ایشان را «اهل البدعه» می‌نامد. (ر.ک:

«الإمامية و السياسة» را به «ابن قُتيبة» نسبت داده است؟<sup>۴۲</sup>

پیوست دوم

درباره ابن أبيالحديد معتزلی

در تحلیل اندیشه‌های مذهبی «ابن أبيالحديد» توجه به نکات ذیل بسیار راهگشا می‌باشد:

نکته یکم

در اثبات تعصّب مذهبی او همین بس که وی جلد دوازدهم از شرح‌ش بر کتاب نهج البلاغه را به دفاع از خلیفه دوم و ذکر فضائل ساختگی او اختصاص داده است.

نکته دوم

وی به پاکسازی چهره ابوبکر و عمر پرداخته و در مقام دفاع از نحوه برخورد نظام خلافت با حضرت زهرا علیها السلام چنین می‌نویسد:

وَ الصَّحِيحُ عِنْدِهَا مَا تَوَلَّ وَ هِيَ وَاجِدَةٌ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ، وَ أَنَّهَا أَوْصَتَ اللَّهَ يُصَلِّي عَلَيْهَا.

وَذَلِكَ عِنْدَ أَصْحَابِنَا مِنَ الْأُمُورِ الْمَغْفُورَةِ لَهُمَا.

وَ كَانَ الْأَوَّلِيَّ بِهِمَا إِكْرَامَهَا وَ احْتِرَامَ مَنْزِلِهَا، لِكِنَّهُمَا خَافَا الْفُرْقَةَ وَ أَشْفَقَا مِنَ الْفِتْنَةِ، فَعَلَا مَا هُوَ

الأَصْلَحُ بِحَسَبِ ظَنِّهِمَا...

فَلَا يَجُوزُ الْعُدُولُ عَنْ حُسْنِ الْإِعْتِقَادِ فِيهِمَا بِمَا جَرَى وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمَغْفِرَةِ وَالْعَفْوِ؛ فَإِنَّ هَذَا لَوْ ثَبَّتَ أَنَّهُ

خَطَا، لَمْ يَكُنْ كَبِيرًاً، بَلْ كَانَ مِنْ بَابِ الصَّغَائِرِ.<sup>۳۳</sup>

آنچه نزد من درست میباشد، این است که:

او (= حضرت زهراء‌علیها‌السلام) وفات یافت در حالی که از ابوبکر و عمر ناراحت و غضبناک بود و وصیت کرد که آن دو بر جنازه او نماز خوانند.

و [البّه] این از اموری است که نزد اطرافیان ما [و هم‌کیشان و هم‌اعتقادان ما،] برای آن دو بخشیده شده میباشد. و بهتر بود که آن دو، او (= حضرت زهراء‌علیها‌السلام) را تکریم میکردند و احترام خانه وی را نگه میداشتند؛ اما نگران تفرقه بودند و از فتنه میترسیدند. در نتیجه، آنچه را که گمان میکردند بهتر است، انجام دادند...

پس جایز نیست که در این ماجرا، به آن دو نگاه بدینانه داشته باشیم؛ و خداوند بخشنده و عفوکننده است و بر فرض، اگر ثابت شود که خطأ و اشتباهی بوده است؛ گناه کبیره نبوده و [فقط] از جمله گناهان صغیره محسوب میشود.

نکته سوم

بزرگان اهل سنت در کتاب‌های خود، به «معترلی» بودن او تصریح نموده‌اند:

– الأعلام (تألیف: زرکلی)، ج ۳، ص ۲۸۹.

- وَقَيَّاتُ الْأَعْيَانِ (تأليف: ابن خَلَّفَانَ)، ج ٥، ص ٣٩١ - ٣٩٢.

- الْبَدَايَةُ وَ النَّهَايَةُ (تأليف: ابن كَثِيرَ)، ج ١٣، ص ١٩٩.

- سِيرَ اعْلَامِ النُّبَلَاءِ (تأليف: ذَهَبَى)، ج ٢٣، ص ٢٧٤.

#### نکته چهارم

خاطرنشان می‌گردد که: ذَهَبَى (متوفّای ٧٤٨) و ابن کثیر دمشقی (متوفّای ٧٧٤) در کتاب‌های خود، به «وَثَاقَتِ» ابن أَبِي الْحَدِيد تصریح

نموده‌اند:

- سِيرَ اعْلَامِ النُّبَلَاءِ (تأليف: ذَهَبَى)، ج ٢٣، ص ٢٧٥.

- الْبَدَايَةُ وَ النَّهَايَةُ (تأليف: ابن كَثِيرَ)، ج ١٣، ص ٢٣٣.

#### نکته پنجم

افکار و اندیشه‌های ابن أَبِي الْحَدِيد در مباحثی چون: تقدّم مفضول بر فاضل، ایمانِ جناب أبوطالب علیه السلام و اسلام پدران

انبیاء علیهم السلام، همگی حاکی از تعصّبات تند تسنّن گرایانه و دوری از باورهای شیعی می‌باشد.<sup>٤٤</sup>

---

٤٤ - ر.ک: ظُلَامَةُ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي رِوَايَاتِ أَهْلِ السَّنَّةِ (یحیی عبد الحسین الدوختی)، ص ٩٦ - ١٠٠، چاپ: مؤسّسه الكوثر، قم.

